گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۴۵۹۰۰۸
پنج شنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۱ ۹:۳۸

یادداشتی از محمد رضا سعیدی دانش آموخته تاریخ و مطالعات فرهنگی؛

قوی سیاه کتابی درباره موضوع ریسک‌کردن و قدرت تفکر

در کتاب، طالب به اهمیت تصادف و احتمالا در جریان زندگی و تجارت می‌پردازد. او قصد دارد به خواننده نشان دهد که نیازی نیست برای اتفاقات تصادفی، دلیل و منطق سرهم کنیم. تصادف، تصادف است و نباید بیش از اندازه درگیر آن شد. او تصادف را قوی سیاه می‌داند.

به گزارش خبر، محمد رضا سعیدی، دانش آموخته تاریخ و مطالعات سیاسی واسلامی، در یادداشت ارسالی به پایگاه خبری گزارش خبر با موضوع "قوی سیاه کتابی درباره موضوع ریسک‌کردن و قدرت تفکر " آورده است.

کتاب قوی سیاه کتابی بود که نسیم طالب نویسنده لبنانی-آمریکایی سال ۲۰۰۷ به چاپ رساند.

در کتاب، طالب به اهمیت تصادف و احتمالا در جریان زندگی و تجارت می‌پردازد. او قصد دارد به خواننده نشان دهد که نیازی نیست برای اتفاقات تصادفی، دلیل و منطق سرهم کنیم. تصادف، تصادف است و نباید بیش از اندازه درگیر آن شد. او تصادف را قوی سیاه می‌داند.

تا مقطعی این گمان وجود داشت که به طور قطع تمام قوی‌های جهان سفید هستند. بعد در استرالیا یک هلندی قوی سیاهی را مشاهده کرد و نشان داد که گزاره‌ی موردقبول همیشه درست نیست.

طالب مقدمه ی کتاب خودش را با توصیف پرنده ای به نام قوی سیاه شروع می کند، پرنده ای که هزاران سال از چشم بشر خود را مخفی کرده بود و تنها گونه ی سفید آن برای مردم نمایان بود، به صورتی که مردم قو را پرنده ای سفید رنگ می دانستند. اما دیدن اولین قوی سیاه بیشتر از آن که تنها یک دستاورد برای پرنده شناسان باشد، یک تلنگر اساسی بر باور بشر بر دانش خود بود. دانشی که حاصل از هزاران سال مشاهده قوی های سفید رنگ بود و باعث شده بود قو با سفید بودنش شناخته شود، حالا با دیدن تنها یک نمونه سیاه رنگ در هم شکسته شد. طالب از این قوی سیاه برای به تصویر کشیدن باور خودش درباره دنیایی که در آن زندگی می کند وام می گیرد

نویسنده درباره قوی سیاه چنین می‌گوید:

ایده من در کتاب قوی سیاه این است که مردم را مجبور سازم درباره ناشناخته‌ها و قدرت آن‌ها تفکر و تامل کنند، به ویژه درباره دسته معینی از رویدادها که نمی‌توانیم به تصور و خیال درآوریم، اما می‌تواند هزینه بسیار زیادی برایمان داشته باشد. رویدادهایی نادر اما با تاثیرگذاری عظیم. قوی سیاه می‌تواند رویدادی منفی یا رویدادی مثبت باشد .

بر اساس منطق و نظریه قوی سیاه آنچه نمی‌دانیم از تمام آنچه می‌دانیم، اهمیتی بسیار بیشتر دارد. بسیاری از قوهای سیاه به دلیل ناگهانی‌بودن می‌توانند شرایط را به شکل غیرقابل تصوری بدتر کنند.

بخشی از متن کتاب

ما طوری رفتار می‌کنیم گویی قادریم رویدادهای تاریخی را پیش‌بینی کنیم، و یا حتی بدتر از آن، گویی قادریم مسیر تاریخ را عوض کنیم. مثلاً قیمت‌های نفت را برای سی سال آینده تخمین می‌زنیم، بدون آن‌که بدانیم حتی نمی‌توانیم آن را برای تابستان آینده پیش‌بینی کنیم خطاهای فزاینده‌ی پیش‌بینی ما در مورد رویدادهای سیاسی و اقتصادی چنان هولناک است که هر بار که به پیشینه‌ی تجربی بشر نگاه می‌کنم، باید خودم را نیشگون بگیرم تا مطمئن شوم خواب نمی‌بینم. مسئله‌ی حیرت‌آور، بزرگی خطاهای پیش‌بینی ما نیست؛ بلکه فقدان آگاهی ما از عدم‌توانایی‌مان در پیش‌بینی کردن است. این مسئله موقعی بیش از هر زمان دیگری نگران کننده می‌شود که ما درگیر نزاع‌های مرگبار می‌شویم: جنگ‌ها اساساً غیرقابل پیش‌بینی‌اند (و ما این را نمی‌دانیم). به خاطر همین سوءتعبیر در مورد زنجیره‌های علیتیِ بین خط‌مشی‌ها و اقدامات عملی می‌توانیم به لطف جهل‌مان به راحتی موجب پدیدار شدن قوهای سیاه شویم درست مثل بچه‌ای که دارد با آتش بازی می‌کند.

عدم‌توانایی ما در پیش‌بینی کردن در محیط‌های در معرض قوی سیاه، به همراه یک عدم آگاهیِ کلی از این مسئله، به معنای این است که برخی حرفه‌ای‌ها، علی‌رغم اینکه فکر می‌کنند متخصص هستند، در واقعیت امر چنین نیستند. آن طور که رکوردها و آمار تجربیِ خودشان نشان می‌دهد، این افراد در مورد موضوع مورد نظرشان بیشتر از عوام‌الناس آگاهی ندارند؛ با این حال در قصه‌پردازی کردن درباره‌ی آن و یا بدتر در غرق کردن تو در انبوهی از مدل‌های ریاضی پیچیده، بسیار کار کشته‌تر هستند. همچین احتمال بیشتری دارد که کراوات بزنند.